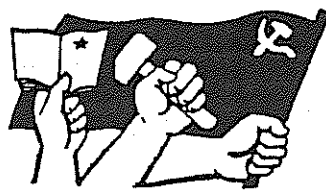


پیکار دانشجو



ارگان اتحادیه جهانی دانشجویان و محصلین ایرانی در خارج از کشور

هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
شماره ۵ نیمه اول آذرماه ۱۳۶۰

Iranische Bibliothek in Hannover

دولت موقت و اجزای تشکیل دهنده آن (۲)

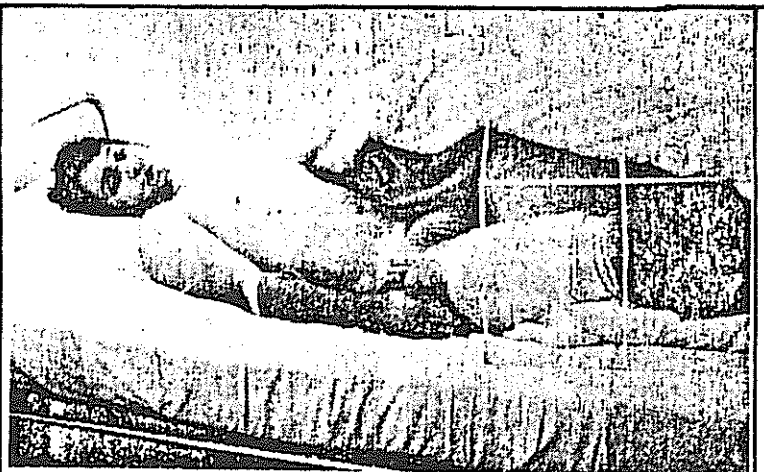
ما در شماره های قبل (۲ و ۳) پیکار دانشجویان در قسمت اول این مقاله اجمالاً روند تغییر و تحولات جامعه را از بعد از قیام بهمن ماه ۵۷ و در بطن آن اختلافات و تضادهای دوجناح عمده حکومتی یعنی حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی و لیبرالهای خائن را شرح دادیم و گفتیم که در طی یک دوران جنگ و گریز بین دوجناح بالاخره حزب جمهوری اسلامی با کمک خمینی جلاد موفق به طرد حریف خود بقیه در صفحه ۲

گزارشی از صنعت نفت اهواز

وضعیت فلاکت را اقتضای ایران و ورشکستگی اقتصاد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی که خویش ناشی از سیستم سرمایه داری وابسته می باشد باعث شده تا هر چه بیشتر فشار اقتصادی بردوش زحمتکشان بویژه طبقه کارگر وارد آید. این فشار در اشکال مختلف تبلور می یابد. بقیه در صفحه ۸

تیراندازی مزدوران رژیم در پاریس

به رفیق هوادار سازمان پیکار...
در صفحه ۹



Incidents au consulat d'Iran

افشای یک جاسوس

نام اسماعیل
نام خانوادگی صفاری میاندوآب
گذرنامه شماره ۲۱۹۴۸۲ صادره از ارومیه
بقیه در صفحه ۱۱

در صفحات دیگر این شماره:

- اخبار ایران صفحه ۸
- اخبار خارج از کشور صفحه ۷
- زندگینامه دورفیک شهید صفحه ۱۰
- سلامتبان و شکست "گرنش" سیاسی اش صفحه ۵
- پیام اتحادیه جهانی برفیق سرمدی صفحه ۹

اشغال کنسولگری ایران

در میلان: افشای جنایات روزمره ولایت قطع

رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی وظیفه کلیه دانشجویان انقلابی و مبارزان در خارج از کشور میباشد. تا بحال دانشجویان مبارزان بقیه در صفحه ۶

سنگون باد رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی

- بقیه "دولت موقت" و از صفحه ۱
 یعنی جناح بنی صدراعوان وانصار وی از ارگانهای قدرت
 شد "تهران" بلامنارح سرکوب انقلاب گردید. بنی صدر
 نیز که خود مدت دو سال ونیم هم بهمان ما پرسرمداران رژیم و
 یکی از دست پرورده های "امام" بود، هنگامیکه موقعیت
 خود را بوسیله حریفان زورمند در خطر دید و گفتی "اقتصاد
 توحیدی" اش بگل نشست و با استفاده از جنایات و خشنواک و
 ناخبرگهای حریفان مرتجع و عقب گرای خویش بنای "اعتراض"
 بر علیه جما قدراری را سردا دو توانست خود را بعنوان قبله گاه
 بخشی از مردم که با درکهای متفاوت و از دیدگاههای مختلف
 با حزب جمهوری اسلامی از در مخالفت برآمده بودند سازد.
 بنی صدر نه تنها توانست بخشی از توده های نا آگاه را با عوام
 نریمی و وعده و وعیدهایش بدنبال خود بکشد، بلکه در مقطع
 بعدی یعنی در آخرین ماههای حکومت خود و سپس بعد از طرد شدن
 قادر در رهبری سازمان مجاهدین خلق را بر حوصله ستهای بور -
 زوائی و ارتجاعی خویش نمایید و در "غورای مقاومت" متشکل
 کند. به بیان دیگر این تنها بخشی از توده های نا آگاه نبودند
 که طمع سیاستهای "آزادخواهی" بنی صدر گردیده بلکه
 رهبری مجاهدین نیز در مرحله ای که مبارزه طبقاتی بحادترین
 شکل خود رسیده، با روی آوری به بنی صدر یعنی روی آوری
 به بورژوازی ارتجاعی، بدامن زدن به توهم توده ها و تضعیف
 قطب نیروهای انقلابی باری رساند. در این بخش از مقاله ما
 ببررسی ماهیت طبقاتی برنامه ها و طرحهای ارائه شده از طرف
 بنی صدر و عملکرد وی در دوران قدرت پرداخته و در ادامه آن
 سیاست سازمان مجاهدین و برنامه "دولت موقت" را مورد
 سداقه قرار خواهیم داد.

x x x x x x

بنی صدر روشنفکر بورژوائی بود که سالها در خارج از کشور
 و بدور از مبارزه بر مخاطره طبقاتی درون جامعه با خاطری آسوده
 در فرانسه رحل اقامت افکنده بود و حتی در مبارزات ضد امپریال -
 لیستی ضد فاشیستی دانشجویان مبارز در خارج از کشور نه تنها
 کوچکترین نقشی نداشت بلکه به تخطئه آن نیز میپرداخت
 "مبارزات" وی نیز بهمانند خمینی خائن منحصر باین میشد که
 با همکاران و عناصر مرتجع و خائنه شده ای از قبیل قطب زاده،
 یزدی، حبیبی و... هراژگانی نامدیرا کنی هائی نموده و نشریه
 ای را منتشر نماید و در عین حال در مبارزات دانشجویان انقلابی
 خارج از کشور اختلال نماید. مبارزه بر علیه رژیم جنایتکار
 شاه در آنزمان کار روشنفکران اخته ای مانند بنی صدر و مثلهم
 نبود و همین جهت هم بود که بنی صدر و همپا لگی هایش بهتأخیر
 مبارزه بی امان جاری نشده و مترصد فرصت مقتضی بودند.
 با شروع مبارزات توده ای در سال ۵۶ و تداوم و گسترش هر چه
 بیشتر این مبارزات انقلابی عناصر "خصمتهای" فرصت
 طلبی نظیر خمینی بنی صدر و... که تا آنزمان گوشه نشین
 بوده و بکنج خیزه بودند و مانند کرمهایی که در اثر اشعه آفتاب
 بحرکت میآیند، در بر تودر خشان مبارزات توده ها بحرکت درآمد
 و وارد صحنه شدند. با ورود خمینی بپارسی روشنفکران بورژوائی
 از نوع بنی صدر و طبائاتی... نیز با "امام" بیعت کرد و
 و آماده اشغال کرسیهای قدرت شدند. تعظیم و تکریم و ثنا گوئی
 آنان از خمینی جلاد بدین خاطر بود که آنان دستهایی بکمبسه
 آمل بقول بنی صدر "۳۰ ساله" شان را در قبالت بیعت با وی

تا حدودی تضمین شده میدانستند. با بقدرت رسیدن خمینی و دا رو
 بسته اش بنی صدر نیز میدان را برای تحقق آرزوهای خود مناسب
 دیده و با جا روجنجال راه انداختن در مورد "اقتصاد توحیدی"
 اش بفریب عوام الناس مشغول شد. زیرا بنی صدر بخوبی میدانست
 که در صورت عدم ترمیم خرابیهای ناشی از ضربات وارنده از طرف
 جنبش انقلابی بر بیکر نفرت و بوسه سیتم سرمایه داری وابسته
 وعدم کنترل و منحرف کردن خواسته های بحق زحمتکشان و بویژه
 کارگران و جانی برای او "اقتصاد توحیدی" اش نخواهد
 بود. لذا او با سوء استفاده از اعتقادات مذهبی توده ها به
 توجیه استثمار انسان از انسان و تشویشز کردن این استثمار
 بکمک آیات قرآن و با لاف ثلاث بورژوائی پرداخت. او میگفت:
 "مالکیت سرمایه باید عمومی باشد و اختیارش را حکومت داشته
 باشد. اما مالکیت تولید مال بفقان و کارگر باشد و اداره تولید
 باید با خود آنها باشد یعنی سرمایه حتی به تولید نداشته باشد.
 سرمایه فقط حق ادامه حیات داشته باشد. در نظام سرمایه داری
 و سرمایه لیس سرمایه مالک کار است. در طرح اسلام سرمایه مالک
 کار نمیشود." (سخنرانی در استادیوم کارگران دروازه
 غار - اسفند ۵۷)

از این حملات بی سروته و متضاد با یکدیگر بنی صدر بظاهر جنبش
 بر میآید که وی مالکیت خصوصی را رد نموده و مخالف سرمایه داری
 است! ولی حملات بعدی وی از قبیل "سرمایه ۳۳۳ حق مانندن
 داشته باشد حق حیات داشته باشد" و ماهیت استثمارگران
 و سرمایه داران را انکار و عقاید بنی صدر را بر ملا میآورد. بنی صدر
 با معرفی سیستم سرمایه داری دز کشور های رهبریزه نیستی شوروی
 و اقمار وی بعنوان سبیل لیس و طرح این ساله که "در نظام
 سرمایه داری و سرمایه لیس سرمایه مالک کار است" و میخواهد به
 توده های نا آگاه چنین حقه کند که طرح "اقتصاد توحیدی"
 وی چیزی جز ادا از سرمایه داری است!

چکیده حزبهای بنی صدر این است: "مالکیت سرمایه عمومی
 است" و "سرمایه حق ادامه حیات دارد" ولی سرمایه داری
 وجود ندارد! بلکه "اقتصاد توحیدی" است! زیرا "در طرح
 اسلام سرمایه مالک کار نمیشود" و بنی صدر مستی میشود که سرمایه
 بدون سرمایه داری ممکن است و در سرمایه داری "سرمایه مالک
 کار است" و چون در اسلام چنین نیست پس استثمار هم در "اقتصاد
 توحیدی" وجود ندارد! و حال چگونه در "اقتصاد توحیدی"

بنی صدر سرمایه حق حیات دارد ولی سرمایه داری وجود ندارد و
 فقط کارلانیانی مانند خود او میتوانند توجیه کنند.
 سوسالیم علمی میآموزد: "تولید سرمایه داران و کار
 گران مزد بر محصول اصلی روند ارزش زای سرمایه است. اقتصاد
 عامیانه که فقط اشیا تولید شده را در نظر دارد اینرا کاملاً
 فراموش میکند. از آنجا که در این روند کار تجسم یافته در عین
 حال بعنوان تجسم نیافتن کارگر بعنوان تجسم عاملی در مقابل
 کارگر و بیثبات مالکیت کار را در نسبت با بیگانگی قرار داده
 شده است ضرورتاً سرمایه در عین حال سرمایه دار است و این فکر
 بعضی از سوسیالیست ها مبنی بر اینکه ما سرمایه احتیاج داریم
 ولی نه به سرمایه داران کاملاً اشتباه است." مارکس در "اشغال
 تولیدی ما قیل سرمایه داری"

آری! اگر سرمایه حق حیات داشته باشد صاحب آن یعنی سرمایه
 دار هم حق حیات داشته و وجود سرمایه دار و کارگر و روابط تولیدی
 منتج از آن همان سیستم سرمایه داری است که آقای بنی صدر

رژیم جمهوری اسلامی حامی سرمایه دار، دشمن زحمتکشان!

با و "اقتصاد توحیدی" لقب میهند. نکته دیگری که از طرز فکری بنی صدر مطرح میخوانیم این است که او با تکیه و امرار مداوم روی ساله "مالکیت سرمایه بر کار" و انضامی اینکه در اسلام اینطور نخواهد بود از یکطرف ماهیت واقعی سرمایه داری را می پوشاند و از طرف دیگر میخواهد با حرکت از این موضوع مضمون واقعی سرمایه دارانه "اقتصاد توحیدی" خود را بیوشانند. بنی صدر با زیرکی خاص و با سوء استفاده از نا آگاهی زحمتکشان ساله اصلی سیستم سرمایه داری، یعنی با لاکشیدن ارزش اضافی تولید شده از طرف کارگران بوسیله سرمایه داران را مسکوت میگذارد و از "مالکیت سرمایه بر کار" سخن میزند؛ درحالیکه در سرمایه داری این مالکیت سرمایه بر کار نیست که مبین ماهیت ضد کارگری سرمایه داری میباشد بلکه این مالکیت برای باز تولید است که بکمک آن سرمایه داران میلیونها توده ناقد ابزار تولید را استثمار میکنند. برعکس انضامی بنی صدر یکی از مختصات ویژه سرمایه داری "آزاد کردن کارگران در فروش نیروی کارشان است". به بیان دیگر در سرمایه داری سرمایه داران بر کار مالکیت ندارند بلکه سرمایه داری خود با سلب مالکیت از دهقانان و مجبور کردن آنان بفروش آزادانه نیروی کار خود و با مصادیق آزاد کردن آنان برای اختیار کار بیبدیل حدود با بهره وجود گزارد. آنچه که گویای ماهیت استثمار کارگران سرمایه داری است نه بزم بنی صدر مالکیت سرمایه بر کار است بلکه سلطه همه جانبه سرمایه داران بر ابزار تولید است که استثمار نیروی کار کارگران و بجهت زدن ارزش اضافی تولید شده بوسیله اکثریت جامعه و استفاده از آن برای مقاصد سوداگرانه و حفظ سلطه سیاسی - اجتماعی را ممکن میسازد. اصولاً مهمترین شرط بیداری سرمایه داری وجود نوعی مختلف از صاحبان کالا (پول و نیروی کار) است که بتوانند در بازار آزادانه کالاهای خود را مبادله کنند. از یکسو صاحبان پول و سایر تولید و وسائل معاش که هدفشان این است که بوسیله خرید نیروی کار ربحگانه مجموع ارزشی را که در تملک خود در آورده اند افزایش دهند، از طرف دیگر کارگران آزاد، فروشنده نیروی کار خود و بیایا برای فروشندگی کار... مارکسیستکاپیتال جلد اول صفحه ۷۴۲.

در ادامه همین عوام فریبی ها و سوء استفاده از عقاید و احاسات مذهبی توده ها است که بنی صدر باتز "معنویت" خواهی خود بمیدان آمد. او از یکطرف برای توجیه "اقتصاد توحیدی" خود میگفت که: "اساس در اسلام کار است و هر کس کار کرد با بدنتیجی سی خود را ببرد" (کتاب کار و کارگر در اسلام) و هنگامیکه در عمل بعنوان عروسک سیستم سرمایه داری مجبور بر سرکوب خواستهای بحق همان کارگرانی که میخواهند "نتیجه سعی خود را ببرند" میشوند عریضه میکنند که "خوراپورا مالیده" و باز زمانی که تهدیدها و سرکوبها موثر نمیافتادند مجدداً "بحریه عوام فریبی" متوسل شده و بیکارگران میگفت: "... و امروز با ملی کردن بانکها و با تصویب قوانین لازم آنها را برای اینکه همه چرخهای اقتصادی ما را بکار ببندازند آماده کرده ایم. بنا براین زمان ما زمان کار و تلاش است. بدیهی است که سرمایه ما متحمل سابق صرف پر کردن جیبها نخواهد شد (۱۱۱) اما برای اینکه این سرمایه ها به نیروی کار شما اضافه و تولید وجود بیارند (۱۱) بر شماست که محیط کار را سالم کنید و آماده تلاش همه جانبه شوید". روزنامه انقلاب اسلامی ۱۲ بهمن ۵۸.

آری بنی صدر بیکارگران میگوید که زمان کار است و تولید و شما با دستمسلک را سالم کنید - یعنی اینکه همکاران زحمتکشی و مبارز و مترقی خود را از خود بپرانند. یعنی اینکه بر پایه برنامه بورژوازی او شب و روز جان بکنند تا کشتی بگل نشسته سرمایه داری وابسته براه افتد و سرمایه داران زانو مفت بقدر کانی سودبرده و جاق و فربه شوند. و اگر هم نتوانستید شکم خود را خانواده تان را با وجود همه جان کندن ها و تلاش های روزی سیر کنید مانعی ندارد زیرا: "شما کارگرها بیدانید نسلان سرمایه دار که هفت رنگ خورشید میخورد، چون خورشید هر جریبی است، مضرتر از نان و بیسی است". (۱۱۱) سخنرانی در خزانة اسفند ۵۷. پس باید چکار کرد؟ شما با بستن بهمان نان خالی و بیسی بازید و میگوید: "کارگرانی هستند که نان با بیسی کولامیخورند و ما میدانیم که خیلی ضربه زد". (۱۱۱) در همان سخنرانی. آقا بیخودی که "دکتر" نشده! آنقدر با سوء است! که میدانند نان و بیسی کولامیخورند! و خورشید هفت رنگ سرمایه دارها هم خوب نیست چون زیاد جرب است!! این کلمات و حملات فقط میتوانند از منزعلیل بنی صدر و امثال او تراوش نمایند که هدفشان تنها و تنها تریب و استثمار زحمت کشان و خدمت به سرمایه داران و شرعیت بخشیدن به سیستم استثمار گرانه حاکم میباشد و نه هیچ چیز دیگر. بنی صدر در دوران زمام داری خود و برای توجیه و بزرگ کردن چهره ضد کارگری سرمایه داری به ترفندهای دیگری از قبیل تنهیر نام "ریا" به "کارمزد بانکی" و امثالهم نیز متوسل گردید.

در حقیقت افکار و منش بنی صدر چیزی جز افکار و طرحها و برنامه های ایدئولوژیکی اقتصاد سیستم سرمایه داری نمیباشد. منتها بنی صدر این عقاید نیاکان ویدران طبقاتی خود را نیز بصورت بریده بریده آموخته و رنگ و لعاب اسلامی بآن زده و میخواهد بعنوان "اقتصاد توحیدی" قالب کند. (گفته از آن که اسلام ماهیتاً بعنوان ایدئولوژی طبقات استثمار کارگر در رئیس کلی خود بهیچوجه در تضاد با سرمایه داری نمیباشد) شاید میشد که ترا و شات مغزی بنی صدر را تا حدودی بحساب انشعاب فکری و خبا لیا فسی او گذاشت. اگر عمل کرد دوما له او بعنوان یکی از مهره های اصلی رژیم سرمایه داری وابسته جمهوری اسلامی بختوانه گفتارهای مانع بود. ولی با سروری کوتاه بر انضامی قبلی و فعلی بنی صدر خائن و مقایسه آن با عمل کرد گذشته وی میتوانستیم را در درک ماهیت واقعی سیاست کنونی او پاری رساند.

بنی صدر امروز دم از آزادی میزند؛ و مدتهاست که بر پرچم خود عوام فریبانه "مبارزه" با جما قدراری را نبشته است! ولی آیا بنی صدر واقعاً مخالف جما قدراری است و خواهان آزادی است؟ بهترین پاسخ این سوال را بررسی کوتاه دوران ونیم گذشته میدهد. بنی صدر با افتای محدود سیاستها و حرکات - فاشیستی و زورگویانه و قلد رمنشیانه حریفان مرتجع حزب الهی خویش میخواست و میخواهد چنین وانمود نماید که مخالف سیاست جما قدراری و سرکوب مخالفین است و در اجرای همین سیاست است که جما قدراری را محدود و منحصر به حملات باندهای فاشیستی حزب جمهوری اسلامی به اجتماعات و کتابفروشیها، روزنامه ها و غیره میدانست و بر محور این ساله بخصوص در سخنرانی ۱۶ اسفند سال گذشته و بعد از آن به تبلیغات و سی می نیت زد. ولی نه جما قدراری رقیب وی و نه "آزادی خواهی" بنی صدر نمیتوانند او را تبرئه نمایند. زیرا بنی صدر در عمل و در طول دو سال

نشان داده که یکی از چاقو داران اصلی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی بوده است. به کرستان قهرمان نظری میفکنیم!

آیا بمباران سرباهای زحمتکشان کرد بوسیله فاشیستهای ارتش فاشیستی جمهوری اسلامی که بدستور بنی صدر میتوان فرمانده کل قوا انجام گیرید، چاقو داری نیست؟ مگر زحمتکشان کرد چه میخواهند و میخواهند جز آزادی و حق تعیین سرنوشت خود که بنی صدر و بنای مرتجع او متحدان "بچنان جنایاتی دست زدند؟ این چاقو داری نیست که با بمبهای ناپالم، موشکها، راکتها، توپها، تانکها و گلولههای ساخت آمریکا و اسرائیل محلات مسکونی و قهرمانان سنجید را با خاک و خون یکسان کردید؟ این چاقو داری نبود که با همکاری با دارو ستهمای وابسته به "تپا" امثال "قباد" موقت "کرستان را ویران نمودید و هزاران تن مردم بیگناه و بیسرگرمای قهرمان را کشتار نمودید و آنها هزار نفر را از خانه و گاشانه خود رانده و آواره کردید؟

آری! این جنایات فقط بخشی از سیاست چاقو داران و سرکوب گرانه بنی صدر خائن، بهشتی معدوم و خمینی دروغبردار بوده و خواهد بود. بنی صدر میخواهد با تکیه بر روی شکل اسلحه سرکوبگرانه رقیبای خویش خود را مخالف چاقو داری جدا بزند. ولی چاقی منحصر بآن چوبهای میخ دار و میخکوب شده و غیره نیست. چاقوهای دردناکتر از آنان نیز همان بمبها رانها و گلوله باران کردنیهای کرستان دلاور است که بنی صدر و خمینی و دیگر مرتجعان در آن وحشت کلمه و عمل داشتند.

نمونه دیگر سیاست چاقو داران بنی صدر بازسازی ارتش جنایتکار "فاهنشاهی" و آماده کردن آن برای سرکوب انقلاب و آزادی است. عملی که بنی صدر در نامه محرمانه خود به خمینی جز "افتخارات" دوران زمامداری خود بر میشمرد.

یک نمونه دیگر چاقو داری بنی صدر شرکت مستقیم و در رأس چاقو داران حزب الهی در سرکوب دانشجویان کمونیست و انقلابی در دانشگاه است. وی امروز میخواهد همسختی خویش در بستن دانشگاهها و خاک و خون کشیدن آنان را با حمله به نیروهای انقلابی توجیه نماید و بی شرمی را بآنجا میرساند که میگوید:

"... اینها در خارج همین دستجات چپی که میگویند که از نظر من چپی نیستند دست راستی افراطی هم هستند املا" فاشیست هستند اینها به دوتا مطلب جسیبده اند یکی همین قضیه دانشگاه است..." (بنی صدر در مصاحبه با هواداران خود در آلمان ۸۱/۹/۱۲) بنی صدر خائن که بنظر میرسد در این مصاحبه نتوانسته رعایت "حفظ ظاهر" را بکند و آنچه را که ماهیت است طبقاتی اش با وحکم میکند، بر زبان رانده است خبال میکند باین سادگیها و با فاشیستی خواندن کمونیستها و انقلابیون میتوانند ستان خونین خود را بشوید و خود را از جنگ انتقام خلق برهانند! او معنی میگردد که باد "تهمت" زده شده و این "تهمت" راهم چپی ها با وزده اند!! امروز او این را میگوید ولی ببینیم در زمانیکه در اوج قدرت بود چه میگفت؟ او در سخن رانی خود در روز سه شنبه ۲ اردیبهشت ماه ۵۹ در دانشگاه گفت:

"... ما این سادگرا نیکیه در برابر ملت ما ساخته خود سادگرای شیطان تلقی میکنیم و بدون ترحم آنها را درهم میکوبیم..."!! بدیهی است که منظور وی از سادگرای شیطان چیزی جز دانشگاهها و دفاتر هواداران سازمانهای انقلابی نبودند. بنی صدر حتی از واژههای بدربزرگوارش خمینی جلاد استفاده میکند و از "سادگرای شیطان" صحبت میکند! او بعنوان رهبر "شورای

انقلاب" و بنام آن در ۳۰ فروردین اعلام میکند: "دانشگاهها و دفاتر سیاسی باید در عرض سه روز برچیده شوند." و بعد از خاک و خون کشیدن دانشگاه "فاتحانه" و خادمانه اعلام میکند: "امروز، روز حاکمیت شورای انقلاب میباشد." وی اکنون میخواهد درهم کوبیدن جنایتکارانه دانشگاه را "فراموش" کند! ولی حیثیات که کارنامه او سیاه تر از آن است که رنگی دیگر پذیرد.

آری! "آزادبخاهی" بنی صدر و خمینی و امثالهم بمعنای آزادی برای استعمار و سرکوب است و نه آزادی برای زحمتکشان و نیروهای انقلابی. اگر بنی صدر و خمینی امروز بخاطر "آزادی" بصورت یکدیگر جنگ میاندازند، نه بخاطر کسب آزادی برای اکثریت جامعه میباشد بلکه جنگ و جدل آنان بر سر آزادی باند و بسته خویشان است. اینکه بنی صدر مدافع "مناظره و بحث آزاد" و "مخالف" قهر اکنون بدفاع و تائید اکسیونهای مسلحانه و ترور سردمداران منفور رژیم جمهوری اسلامی میپردازد، نشاندهنده این واقعیت است که بنی صدر برای بقدرت رسیدن مجدد خود هنوز احتیاج بتودهها دارد و میخواهد جانفشانی تودهها را یکبار دیگر و نهفته دستهای بقدرت قرار دهد و سپس با سوار شدن بر مرکب مراد سرکوبی توده هاست زند. همان کاری که خمینی و دارو ستهاش و خود او یکبار انجام داده اند. لذا: "مادلهای نداریم بخونشیرینی های فعلی لیبرالی بنمازم، بلکه ما باید به پرولتاریا هنداریم و اهداف این خونشیرینی ها را با و نشان دهیم."

لنین - مجموعه آثار جلد ۸ صفحه ۱۵۹ چاپ آلمانی "آزادبخاهی" بنی صدر با تمام خصائل ضد کارگری و ضد کمونیستی خود در حمله رنبلانه او به رفیق استالین هم خود را آشکار میسازد. بنی صدر این مفتون مکتب سرمایه داری و عاشق دلخسته "دموکراسی" بورژوازی اروپا تنها موردی را که بخوبی از آموزگاران بورژوازی خود فرا گرفته همان نسبی و ضدیت سرمایه داری با کمونیسم است که بازتاب خود را در دوره اخیر بعد از جنگ دوم جهانی بهمت روانیستهای (انتقامجویان) آلمانی و یاتشوریتزه "شدن این کینه ورزی بوسیله ترور تکیستهای خائن در حمله بشخص رفیق استالین بعنوان رهبر کبیر پرولتاریای شوروی و درهم شکننده فاشیسم هیتلری، میباشد. بنی صدر خائن مانند کلیه آنتی کمونیست های شناخته شده و همانند خمینی مرتجع نفرت و کینه طبقاتی خود بطبقه کارگر و ایدئولوژی او را در لجن پراکنشی به رفیق استالین بیان میکند. ولی در عرض ۳۵ سال گذشته با وجود دروغ پردازیها، جمل و قلب واقعیت، سرهم کردن اسناد و خلاصه بکار گرفتن کلیه رسانه های گروهی از رادیو، روزنامه و تلویزیون گرفته تا سینما و غیره بوسیله امپریالیستها و نوکران آنها و کلیه رژیمهای مرتجع و فاشیستی برای کوشش بوده اند که شخصیت انقلابی رفیق استالین را با سوء استفاده از اشکالات و مصلحتاتی که در راه سازندگی سوسیالیسم تاحدودی هم احتیاج ناپذیر بوده، خسته دارند و باین وسیله با تمام این کوششها و زانها که کلیه این تبلیغات مسموم حقانیت ندارند و هذنی جز تخطئه و لجن مال کردن مارکسیسم - لنینیسم نداشته است، نه تنها نتیجه مورد نظر مرتجعین را نداده - بلکه باعث افشای ماهیت ضد کمونیستی خود آنها گردیده است.

سلامتیان و شکست گردش سیاسی اش

اخبار سلامتیان یکی از سردمداران سابق رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و نماینده مجلس ارتجاع و سرمایه دستان و دستیار رینی صدر لیبیرال خا-
شن اقدام به یک «تورسهای» دور آلمان نمود و در اغلب شهرها به ملت
افشاگری وسیع دانشجویان کمونیست و انقلابی «رسانتسفر» با
شکست مواجه گردیده و وی دست از بار ترسوراخ خود خیزد. مادر
اینجا قصد بر سر دادن جنایات دوساله رژیم جمهوری اسلامی و شرکت
مستقیم بنی صدر را در سلامتیان و سلامت وی در این جنایات را نوله
ریم بلکه هدف روشن کردن «گردشهای سیاسی» مثل سلامتیان نه
نزیه و هم با انگیزه ایستادگی این آقا یان تا زمانی که بر سر
قدرت رژیم ارتجاعی و ضد خلقی جمهوری اسلامی تکیه زده نه با توده ها
کاری داشتند و علاقه ای به آزادی داشتند آنچنان نیست غرور
قدرت و مقام بودند که بهر جناحی برای حفظ قدرت و بازسازی سیستم
بوسیده سرمایه داری وابسته نیست میزدند و سر تعظیم در پیشگاه امام
جلالت خمینی خونخواه رفرودمها آوردند اما زمانی که حرف زورمند
و ارتجاعی آنان یعنی خمینی فاشیت و بارانش حزب تشکیل جمهوری
اسلامی تحمل این جوجه دیکتاتورهای روستافکر نما را نداشت و
آنانرا یکی پس از دیگری از مقامهای خونیرکنار روتا میا ر کرده این
آقایان عواما مفریبا نه با آزادی افتاده و «زادخواه» از آب در
آمدن و برای دست یابی به چنین «آزادی» هم با اولین امکانات
بخارپا ز کشور فرار کردند و از آنجا که سابقه آنان در همین مدت
کوته دولت داریشان بسیار است، در صدد آنند تا با عواما مفریبی و شایر
رئان بازی مخصوص خود برای خویش مجدداً آبروئی کسب کنند. ولی
هنگامی که با مقام و افشاگری دانشجویان کمونیست و انقلابی
مواجه میشوند بی سرمایه مدعی شده که هواداران سازمانهای انقلابی
«چماقدار» هستند و حقوق «دمکراتیک» را رعایت نمی کنند. آری
حامیان سرمایه که خود را «مال» چماقدار ریوده و با سرگرمه چماق
داران، اما خمینی نیست بودند تا به نیروهای انقلابی لقب
چماقداری می دهند در منطق بهرمان مرتجع هوادار نیروها نیست که
در عرض دوسال حکومت ننگین این مرتجعین صداما شهید در راه مبارز
با چماقدارانی چون بهشتی و بنی صدر نشان زده انقلاب و آزادی کردیم
انده چماقدار محسوب میشوند اما قاتلین خلق دلاور کردودا دانشجویان
مبارزانندگاه «دمکرات» هستند. اینجا ی تعجب نیست که این خا-
شفتن بما چماقدار ریگویند و جز این هم انتظار نیست زندگی سیاسی
این مرتجعین بر با عواما مفریبی و سرکوب و کشتار انقلاب و آزادی
بنیاده ها بنان جیره خوا سرمایه هستند و سرمایه برای کسب سود
و ارزش اضافی ناچار با استثمار و سرکوب و تحطنه نیروها است که
برای رها ننی انسان از استثمار و برای آزادی زحمتکشان و نسبه
آزادی استثمار رکنندگان مبارزه میکنند طبیعتاً است که از سلامتیا
ن و شرکا «بعد از شکست مفتنحانه گردش سیاسی و در شهرهای کلان
فرانکفورت عا میبورگ هیرلین غریبی (با وجود اعلام برنامها بین
نهر اصولانها مد) اما انتظار بر خوردن دیگری نداشته ونداریم. ولسی
مشله ای که پیش از پیش در خلال این درگیریها برای توده های
دا نشجور و شن شده ما بهیت و اقمی جریا نی نام «وحدت چپ» بود. این
جریا ن که عمدتاً از تعدادی انگشت زما رها شه نشین و فسیل شذ
جینش دا نشجویی در چند شهر تشکیل گردیده مجدداً و با رسیدن بوی
مقام و منصب به مقام آقا یان سردمداران این جریا ن و بعد از مدت

اگر امروز هم بنی صدر خائن با وده های ابدنولوگهای امیربالم
را نشجور می کند، فقط وحت وهراس خود را از رشد و گسترش
مارکسزم - لنینیسم در جامعه بنمایش میگذارد و در نظر داریدا
حمله به دیکتاتوری - پرولتاریا، ماهیت دیکتاتوری
بورژوازی حکومت گذشته و آینده خویش را بنهان سازد.

x x x

حال بنی صدر با یک چنین گذشته سهای بتوده های زحمتکش
و نیروهای انقلابی و کمونیست وعده آزادی میدهد! و خود را
ناجی آزادی میخواند. در حالیکه سهای که بنی صدر اکنون
در پیش گرفته ادامه همان سیاست چماقداری گذشته وی در شکلی
دیگر میباشد و هدف آن نجات رژیم ارتجاعی و سرمایه داری
جمهوری اسلامی است و نه آزادی.

سیاست و برنامه های بنی صدر امروزه از طرف برخی سازمانها
جریانات سیاسی و عناصر موربعامت قرار گرفته:

- تفاله های بورژوازی که در تشکیلاتهای «جبه ملی» «حزب
ملت ایران» «نهضت آزادی» «گروگلمده» و هر یک بنوعی
از در مخالفت با حزب جمهوری اسلامی برآمده و مستقیم و غیر
مستقیم به حمایت بنی صدر دست میزنند.

- جریانات رویزمنیستی و ارتجاعی سه جهانی از قبیل «حزب
رنجبران» «اتحادیه کمونیستها» «که با درکی بورژوازی
از جامعه و اعتقاد داشتن به موجودیت «بورژوازی ملی» و به
حساب آوردن بنی صدر در جرگه این بورژوازی و درانسه
سیاستهای ضد انقلابی خویش در سابق که بتأیید تام و تمام رژیم
ارتجاعی جمهوری اسلامی میبرد اخفتند - امروز به هوراکنیدن
و کف زدن برای بنی صدر مشغولند.

- عناصر و «شخصیتها»ی ورشکسته سیاسی که در بنی صدر
آلترناتیر «دولت موقت» او مجدداً چشم انداز زمینه ای
برای عرض اندام سیاسی خویش می بینند و رویای رسیدن بمقامات
مملکتی در کف حمایت بنی صدر را در «سر میزوراندند

- رهبری سازمان مجاهدین خلق که سیاست راست روایه خود و تسلیم
طلبی در مقابل برنامه های بنی صدر را می خواهد بدین نحو توجیه
کند که گویا این بنی صدر است که بزیر پرچم سازمان مجاهدین
به وحدت نشسته و از گذشته خود بریده است! و این سازمان
مجاهدین است که سیاست خود را غالب نموده و بنی صدر را به

تمکین از این سیاست مجبور نموده! در حالی که با مرور بر برنامه
«دولت موقت» و مقایسه آن با برنامه های قبلی سازمان مجا-
ه دین این واقعبیت عریان میگردد که خط مشی حاکم بر برنامه
«دولت موقت» نه سیاست سازمان مجاهدین بلکه سیاست بورژوازی
و ارتجاعی بنی صدر است. مادر بخش بعدی این مقاله و قبل از
بررسی برنامه «دولت موقت» سیاست سازمان مجاهدین را از
بعد از قیام و علل تغییر سیاست آن را با کمک مواضع خود
این دوستان در قبال رویدادهای مهم جامعه، موربعامت قرار
خواهیم داد.

ادامه دارد

تیراندازی ۱۰۰۰ از صفحه ۹

کلیه رفقای هوادار را بهتو ابلاغ می نمایم - با شدت در آینده ای
نزدیک دست در دست کارگران و زحمتکشان رژیم سرمایه داری
جمهوری اسلامی را ویران و نیروهای آن جمهوری دموکراتیک
خلق و سوسیالیسم را بنا سازیم.

اتحادیه جهانی ۰۰۰۰۰ هوادار سازمان پیکار در راه آزادی

طبقه کارگر - ۲۴ نوامبر ۸۱

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

بقیه ۳ صفحه ۱۲

اخبار جنبش دانشجویی

لندن

«اتحادیه دانشجویان و محصلین ایرانی در بریتانیا» عضو «اتحادیه جهانی» هوا دار سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر «دانشجویان هوا دار سازمان انقلابی زحمتکشان کرستان ایران (کومله) و دانشجویان هوا دار سازمان جرک - های فدائی خلق ایران جهت افشای جنایات رژیم سرمایه - داری جمهوری اسلامی و همچنین شناساندن مبارزات خلقهای قهرمان ایران و جنبش کمونیستی به نیروهای انقلابی در انگلستان؛ متحدان اقدام به تشکیل «کمیته هماهنگی برای دفاع از مبارزات خلقهای ایران» نمودند. این کمیته در تاریخ ۶ نوامبر شب همبستگی با مبارزات خلقهای ایران به زبان انگلیسی در لندن برگزار نمود که در آن بیش از ۲۰۰ نفر از دانشجویان ایرانی و نیروهای کمونیستی و انقلابی خارجی شرکت کردند. در پیام کمیته هماهنگی به لزوم اتحاد عملی مبارزاتی با مرزبندی قاطع با آلترناتیو بنی صدر - رجوی جهت طرد لیبرالهای خائن و جذب مجاهدین به آلترناتیو دموکراتیک، تاکید شده بود. این شب شامل نمایش الاید و مقاله از قیام تاکنون و با تکیه بر کشتار کرستان و جنایات اخیر و لزوم سرنگونی کل رژیم سرمایه داری حاکم، سروهای انقلابی، تراکت معمر و پیام از طرف سازمانهای کمونیستی و انقلابی با موفقیت تمام برگزار گردید. در پایان سرود انترناسیو خنال با هماهنگی و صلابت پر شور و کم نظیری خوانده شد.

♦♦♦♦♦♦♦♦♦♦

روز شنبه ۷ نوامبر تظاهراتی برای افشای جنایات رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی از طرف کمیته هماهنگی و با شرکت نزدیک به ۳۰۰ تن از دانشجویان مبارز برگزار گردید. در جلوی تظاهرات با ابتکار اتحادیه دانشجویان و محصلین ایرانی در بریتانیا جوبه داری بوسله یکی از رفقا که صورت خود را به شکل جلادان رژیم پوشانده بود حمل میشد که تاثیر زیادی در افشای جنایات رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی داشت. همچنین کاریکاتورهای بزرگ شده خمینی جلاد امام تازیانه و دار باستان خون آلود، بوسله تظاهر کنندگان حمل میشد. این تظاهرات در عین حال با موضع گیری بر روی «غورای مقاومت» و «سورژوازی لیبرال» با طرح شعارهای:

- خمینی «بنی صدر» بختیار، «سلطنت طلبان دشمنان خلق ما» (به زبان انگلیسی)
- جمهوری اسلامی رژیم ضد خلقی بدست زحمتکشان نابود باید گردد.

- جدائی دین از سیاست خواست دموکراتیک و انکار نابذیر انقلاب دمکراتیک.

- تبعدهای ماکثرتت مارتجاع - ندگه نیرنگان «سرگ» به پیوندتان.

و سعی در تبلیغ آلترناتیو دمکراتیک پیدگیر ناغت لازم به تذکر است که انجمن دانشجویان سلمان (هوادار سازمان مجاهدین) بواسطه موضع انقلابی کمیته بر علیه

بورژوازی لیبرال و بنی صدر خائن از شرکت در برنامه های کمیته خودداری و از شرکت هوا داران خود در تظاهرات جلوی گیری کردند. این دوستان در حالی که بمناسبت انتخاب پایا نفرو (این نماینده سورژوازی وابسته یونان) پیام تبریک آقای رجوی را در نشریه خود چاپ میکنند اما از دادن پیام به شب همبستگی با مبارزات خلقهای ایران و شرکت در تظاهرات بر علیه جنایات رژیم جمهوری اسلامی خودداری میکنند. زهی تاف، دفاع از سورژوازی هم حدی دارد.

♦♦♦♦♦♦♦♦♦♦

روز یکشنبه ۱۵ نوامبر معمال دارو دسته بغایت ارتجاعی حزب خائن توده با صرف مقادیر زیادی از روبلهائی که در پاسخ به سالها نوکری و جاسوسی از سوسیال امپریالیستهای روسی دریافت میکنند جهت برگزاری چهلمین سال زندگی سراسر زندگی خود و رقص و پایکوبی بر مزار شهدای بخون خفته خلق و در تائید جنایات رژیم جمهوری اسلامی اقدام به برگزاری جلسه ای در یکی از سالنهای لوکس لندن کردند. اتحادیه دانشجویان و محصلین ایرانی در بریتانیا هوا دار «سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر» همراه با هوا داران سازمان کومله مجریکهای فدائی خلق و مجاهدین خلق جهت اعتراض به گریه های جاسوسان رژیم (توده های هاس، اکثریتی ها و حزب الهی های خائن) دست به تظاهراتی حمله بر علیه این خائنین زدند. اما به علت رعایت شرایط امنیتی از طرف این خائنین بیشتر از ۱۰ نفر از رفقای ناخناس نتوانستند به درون جلسه بروند. بقیه دانشجویان انقلابی در اطراف محل به گشت مشغول بودند، خائنین توده ای در پی افشای رفق، از پلیس فاشیست انگلستان تقاضای کمک کرده و در نتیجه گشتی های پلیس در خیابانهای اطراف این محل تا شمعاع وسیعی به گشت پرداخته و اقدام به تهدید و بازرسی بدنی چند تن از رفقای ما می کنند و با حمایت خود از رویزیونیستهای توده ای وحدت طبقاتی خود را علیرغم وابستگی به امپریالیستهای مختلف با ثبات میرسانند. دانشجویان انقلابی علیرغم تهدیدات پلیس فاشیست انگلیس در اطراف جلسه و در گروه های کوچک همچنان به گشت مشغول و متیرمد فرصتی برای حمله به این خائنین بودند. ما ما از آنجا نیکه سالن برگزاری جلسه با صرف هزینه زیادی کرایه شده بود از امکانات امنیتی زیادی برخوردار بود. پس از حدود

دو ساعت بعد از شروع جلسه پلیس که از تعقیب دانشجویان خسته و از پیگیری آنان عاصی شده بود جلسه را بعلت عدم توانائی خود در حفظ امنیت آن متوقف میکند. خائنین توده ای که از نقاط مختلف اروپا برای برگزاری این جشن به لندن آمده بودند از ترس دانشجویان انقلابی در گروه های پر جمعیت دست از پا درازتر به لانه های خود خزیدند و به این ترتیب به همت دانشجویان انقلابی جشن خائنین نیمه کاره ماند.

گسترده باد اتحاد عمل دانشجویان انقلابی بر علیه رژیم

جمهوری اسلامی در خارج از کشور

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع

داخلی جدا نیست

بقیه اخبار

سرنگون باد رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!

رویزیونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

اخبار و رویدادهای ایران

با بدو رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی بخاطر اینکه بتوانند از این وضعیت بد اقامتی مقداری رها نمایی بد مجبور است بیش از پیش فشار و ارسا زد این فشارها عمدتاً در اخراج کارگران از کارخانه نه به تنهایی کارخانه ها مجبور نمودن کارگران به اقامت کارگری و متبلور می شود نمونه زیرکار ملا نمایش دهند و سیاست ضدکارگری و جنایتکارانه رژیم سرمایه داری ایران نسبت به طبقه کارگری باشد.

سیاست ضدکارگری رژیم در صنعت نفت: الف - در عرضه مسائل اقتصادی و رفاهی ۱۰ - قطع فوق العاده کارگاهی (حق فنی) ۱۰٪ حقوق بایه کارگران و کارمندان.

۲ - قطع فوق العاده کامیونتری و فوق العاده ماشین نویسی و منشیگری

۳ - قطع ۱۰٪ حق عیشتی ۱۰٪ کم کردن ساعات اقامت کارگری ۵ - محدودیت بسیار در پرداخت وام ممکن ۴ - قطع پرداخت فوق العاده روزانه در مورد خدمات کارکنان ۲ - بستن مهدکودک احوال و فشار به زنان کارمندی محدود کردن روزهای استراحت کارکنان در شرائط جنگی.

ب - در عرضه سیاسی (پاکسازی - اخراج - سرکوب و ۱۰۰۰۰۰) ۱ - منع انتقال کارکنان از شمال به جنوب و بالعکس که میتواند نشانه نگرانی مهابت کاری باشد ۲ - قطع کشتن ۸۰ تلفن کسبه برای تماس با منطقه صنعت نفت احوال از با قسمت ها و شهرهای دیگر است تلفن توسط موزون رژیم کنترل میشود تا با جورعب و وحشت و دستگیری های متعدد ۳ - زمینه سازی برای اخراج زنان شاغل ۴ - اخراج بدلائل سیاسی و اقتصادی ۵ - انحن اسلامی در صنعت نفت احوال به علت مبارزه کارگران وجود ندارد.

وضعیت مبارزاتی کارگران: آنچه قابل توجه است که توهم اکثریت کارگران نسبت به رژیم فروبرخته است، کارگران درواحه های خود به رژیم می تازند آنها در تولید هم مراقت لازم را از ابزار کار ندارند و به کم کاری دست می زنند و عکس های خمینی جلاد و دیگر عناصر منفور رژیم را با باره می کنند و با تنه بر قبا می دهند روحیه مبارزاتی کارگران بسیار آلامیاد و خواسته های سیاسی آنان از خواسته های منفی شان برجسته تر می باشد.

بهر روز با دیپکار سرخ کارگران بر

عسله سرمایی

★★★

اخبار جنبش توده ای:

کرمانشاهدر و آخر شهریور ماه اعدای نهایی قرون وسطا رژیم سیاست ایجا در وجه تعرضی در بین زحمتکشان گردید ۱۰ از جمله بهرام حسینی از مجاهدین خلق به جرم هواداری از سازمان مذکور محکوم میشود و وقتی از توبه گرفتن از او مایوس میشوند به او چند تیر زده ولی تهران را نمی زنند و خدا را به بزشکی قانن می پند بزشک از صدور جواز دفن برای جسد نیمه جانی خود داری می کنند صدای دست و پا زدن و تکان خوردن جسد در سردخانه کارکنان بزشکی قانن نوین بر آن میدارد که وی را بهرون بیا ورنه دولتی تهدید باس داران فاشیست روبرو میشوند پس از جنساعت در سردخانه را باز می کنند و جسد را کف زمین می اندازند و جسد ابتدا در کابین های کثیف سردخانه بود که پس از نقلی زیاد از آنها با شین افتاده و جان می سپارد در تشییع جنازه وعده زیادی از مردم شرکت می کنند که ۸ نفر دستگیر می شوند.

در صفحه ۶

سوئد

اخبار ۱۰۰۰ از صفحه ۷

برای افشای هر چه بیشتر چهره کریم جمهوری اسلامی و شناساندن مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران و تبلیغ و ترویج آترناتیو د مکتاتیسم انقلابی پرولتاریا بعنوان یکی از آترناتیوهای کسب قدرت، اتحادیه دانشجویان ایرانی در سوئد دست به یک سری آکسیونهای دفاعی - تبلیغی زد. علاوه بر مصاحبه های رادیویی - روزنامه ای، اتحادیه کسوری برای جمع آوری کمک مالی و افشای جنایات رژیم ۱۰۰ در چهار شهر امو - استکهلم - گوتنبرگ - اپسالا وارد اکسیون دفاعی گردیدند.

امو: الف - مصاحبه با روزنامه دانشجویان (باتیراز ۱۰ هزار)، افشای جنایات رژیم و افشای امپریالیسم سوئد در مورد رای "دادگاه" در مورد رفقای اشغال کننده سفارت ایران در استکهلم که به ۸ ماه زندان محکوم شده اند این مصاحبه در صفحه اول روزنامه با عکسی از سفارت اشغال شده و باند رول نصب شده بر سر تر سفارت، درج گردید.

ب - ارتباط با رفقای هوادار اقلیت و مجاهدین برای شرکت در یک عمل مشترک بمنظور ایجاد پایه توده ای وسیعتر در بین دانشجویان ایرانی و سوئدی و جلب حمایت آنها جهت اخراج مرتجعین توده ای و اکثریتی این حامیان و قبح کشتار فرزندان خلق از محل جلسه هفتگی و مانع از برگزاری میز کتاب در همین رابطه جلسه ای با مسئولین شورای دانشگاه تشکیل گردید. رفقای نماینده اتحادیه مابهمراه دو نیروی دیگر با افشای چهره جنایتکارانه رژیم جمهوری اسلامی و خمینی جلاد خواستار اخراج مرتجعین ریزونیست از دو محل فوق گردید.

این مساله در روزنامه دانشجویی شهر به تفصیل درج شد علت درخواست ما هواداری توده ای ها و اکثریتی ها از قتل عام انقلابیون ایران - دفاع از خمینی جنایتکار و جاسوسی برای رژیم ایران توسط اینان بود.

ج - برپا داشتن نمایشگاه عکس در دانشگاه از اوضاع ایران و بخش اعلامیه به سوئدی با تحلیلی مختصر از اوضاع ایران افشای اعدای کمونیست ها، انقلابیون و خرسالان، افشای توده ای ها و اکثریتی های ضد انقلابی. این آکسیون با رفقای اقلیت مشترک برگزار شد.

د - تشکیل یک جلسه عمومی مشترک با رفقای هوادار اقلیت برای ایرانیان مبارز شهر که حدود ۹۰ نفر شرکت کرده بودند

تیراندازی ۱۰۰۰۰۰ از صفحه يك

همانطور که هموطنان مرفی و دانشجویان مبارز ایرانی در خارج از کشور مطلع هستند ، روز جمعه ۲۰ نوامبر یکی از دانشجویان هوادار " سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر " از شهر تور فرانسه بفرات ایران دربارن مراجعتا تا "میدنا مای بگردد ولی از آنجا که مزدوران رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی بفرمان سرکردگان جلانخویش با سبورت دانشجویان مبارز و فعال را گرفته و با آنان پس نمیدهند ، با سبورت رفیق را گرفته و بوی پس نداندند . رفیق در آن روز علیرغم تلاشهای فراوان موفق نمیشود با سبورتش را دریافت دارد . روز دوشنبه وی مکررا " بفرات رفته و خواهان با سبورت خود میگردد . مزدوران رژیم خمینی مجددا " از استر داد با سبورت امتناع ورزیده و وقتی با مقاومت رفیق مواجه میشوند ، با فحاشی و گفتن اینکه " شما همدگی ضد انقلاب هستید و باید همه شما را کشت تا دیگر کسی در خارج جرات مخالفت با امام رانداشته باشد " و " باید حکم شرعی در مورد تو اجرا شود " اقدام به تیراندازی بطرف وی نموده و از چهار تیر نشان گرفته بطرف رفیق سه تیر به پا های وی اصابت نموده بطوریکه ران با های او سوراخ میشوند .

خبر این ترور ارتجاعی بوسیله کلیه خبرگزاریهای جهان - بخش وبویژه در رسانه های گروهی فرانسه مطلقا " درج نگریسد . همچنین رفقای هوادار سازمان بیکار در کشورهای مختلف نیز این خبر را با نوشتن روزنامه های شهری و اعلامیه با اطلاع هموطنان مبارز و مرفی رسانند . اتحادیه جهانی دانشجویان و محصلین ایرانی پس از اطلاع از این ترور ارتجاعی و نا فرجام مزدوران حزب الله بهیامی بر رفیق شهزاد سرمدی بشرح زیر ارسال نمود :

★ رفیق مسدرا لدین شهزاد سرمدی ★

با دروهای گرم و خبر ترور نا فرجام تو توسط مزدوران رژیم جمهوری اسلامی را دریافت کردیم . سرمداران جمهوری اسلامی - سیمه و دیوانه و ابرای تجات خویش از مرگ محتومی که در آئینده ای نه چندان دور آنان را خواهد بلعد ، از دست زدن بهرگونه جنایت و جنایانه ای ابا ندارند : اعدام انقلابیون کمونیست و دمکرات ، کشتار توده های زحمتکش و خلقهای قهرمان ایران بویژه خلق دلاور کرد مدواما " ادامه دارد . مزدوران رژیم خمینی جلد تلاش می نمایند تا در هر کجا که حرکتی از جنبه انقلابی کارگران و زحمتکشان و مدافعین آنان یافت میشود و جنایان بدان هجوم نمایند . آنان امروز خواهانند تا جوترو و سرکوب حاکم بر ایران را با فشار بر دانشجویان انقلابی و ترور آنان با رجا ز ایران گسترش دهند و بدین وسیله خواهان سرکوب جنبش دانشجویی در خارج از کشور می باشند تا بتوانند از مبارزات مستمرا و نا گرانده آنان در سطح بین المللی جلوگیری نمایند و ولی تا ریخته مبارزات دا - نینحونی در خارج از کشور و خون دانشجویان شهید و کلیه شهدای خلق گواهی میدهد که دانشجویان انقلابی هیچگاه با رژیمهای مرتجع و حامی سرمایه دار سازش نکرده و مبارزه خویش را حتی در بدترین شرایط ادامه داده اند . امروز مسلما " وضعیت دانشجویان انقلابی وبویژه ما هواداران منی بیکار طبقه کارگر میباشد تا با مبارزه و اعتراض خویش علیه جنایات رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی مدواما " اقدام با فدا ی جنایات رژیم نموده و صدای حق طلبانه کارگران و زحمتکشان ایران را بگوش جهانیان برسانیم . در پایان مجددا " میماند ترین دروهای آنتنین بعیمه در صفحه ۱۰

در این جلسه دو مقاله یکی از طرف اتحادیه ما و دیگری از طرف سازمان هوادار اقلیت قرائت شد . سپس بحثی در مورد ایران شروع گردید . در مقالات و بحث ها تحلیلی از اوضاع کنونی ایران ، وضعیت جنبش نوکری ، روزنیو نیستهای توده های و اکثریت برای سرمایه داران ایران بود .

همه برگزاری آکسیون جمع آوری کمک مالی برای زندانیان

سیاسی در شهر امشو

آکسیون در این شهر از تاریخ ۸۱/۱۰/۱۲ تا ۸۱/۱۰/۲۲ برگزار شد . رفقای اعضا و هواداران اتحادیه به تیمهای ۳ تا ۵ نفری تقسیم شده همه روز در يك قسمت از اماکن مسکونی شهر از ۵ ساعت ۵ بعد از ظهر تا ۷ به بخش اعلامیه پرداختند . در روز بعد در همان محل توسط تیم دیگری با مراجعه به منازل توصیح در مورد مسائل ایران خواستار کمک مالی میگردد رفقای اعضا و هواداران با شرکت فعال خود توانستند علاوه بر افشای رژیم ارتجاعی ایران ، و شناساندن جنبش کمونیستی ایران و سازمان بیکار و افشای مرتجعین لیبرال چون بنی صدر مقدار قابل ملاحظه ای کمک مالی جهت زندان سیاسی جمع - آوری شد .

در امشوبیش از ۲۲ هزار کرون سوئد معادل ۹ هزار مارک آلمان غربی جمع آوری شد .

و علاوه بر جلسه بزرگداشت رفیق داود تماسهایی بوده که با روزنامه دانشجویی و روزنامه های شهر جهت افشای جنایات رژیم و بخش خبر اعدام رفیق بیکارگر کمونیست عضو سابق اتحادیه دانشجویان ایرانی در امشو گرفته شد و در سطح وسیع این خبر در روزنامه شهر در روزنامه دانشجویی با تصویر رفیق به تفصیل درج گردید .

ی - تماس اتحادیه با رادیو سراسر سوئد و ترتیب يك مصاحبه نیم ساعته در مورد اوضاع ایران و ارائه تحلیلی مختصری از جنبش کمونیستی و جنبش خلق و آینده جامعه و جنبش .

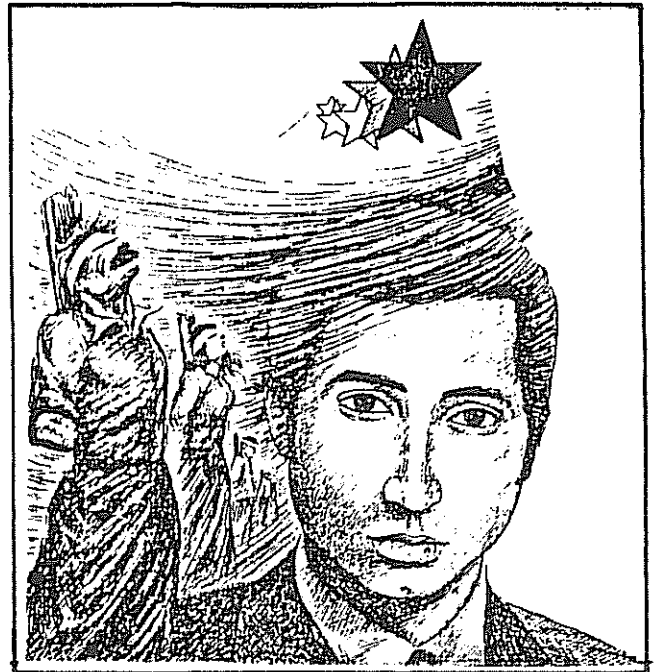
رفقا و هموطنان مبارز : پیشنهادات و انتقادات و مطالب خود را با درس پستی زیر در اختیار ما بگذارید .

POSTLAGERKARTE Nr.
002318 B
1000 Berlin 12

در اهتزاز باد پرچم مقاومت توده ها علیه رژیم جمهوری اسلامی !

جاودان باد یادرفیق شهید عباس بنائی

در فروردین ۱۳۲۲ در یک خانواده نسبتاً فقیری در تهران متولد شد. در جوانی به علت فقر مالی وی قادر به ادامه تحصیل نبود و برای تأمین مخارج زندگی مجبور به کار و مشقت با رعدها و تبعیضاتی که کار می‌کرد نسبتاً به تحصیل ادامه داد و بعد از آن امتحان تحصیلات رفیق به همراه مقدار پولی که جمع کرده بود و کشف مالیات را فغانی در سال ۱۹۷۳ نتوانست به آلمان سفر کند و پس از آموزش زبان آلمانی



موفق بدینا فت فوق دیپلم استادکاری در رشته مکانیک اتومبیل گردید. از آنجا که قلبش برای مبارزه و عشق به رها تیز حتمتکدان می‌تپید با او جگریری مبارزات توفیقها در ایران قبل از شهریور خونین ۵۷ به ایران بازگشت. در سالهای اقامتش در خارج در صفوف دانشجویان متشکک در کفندراسهون به مبارزه بر علیه امپریالیسم و رژیم سرمایه داری و به خواسته بود. بعد از سرنگونی نیکانندان پهلوی و بقدرت رسیدن رژیم جمهوری اسلامی رفیق می گفت: فقر، گرسنگی، فحشا، بی‌سواری، بی‌کفاری، جهل، فرهنگی، بحران و... حاصل نظام سرمایه داری میباید با بدبر علیه این نظام مبارزه کنیم. و در میان توده ها چون ماحی در آب شفا و ربود و در بسج مردم منطقه خاک سفید بر علیه با سداران جهل و سرمایه نقش بسیار عمده داشت. رفیق عباس که صحنه اصلی مبارزه را در ایران با فتنه بود و بعنوان یکی از اعضا فعال گروه انقلابیون (مسل) پیکار خلق لحظه ای از خدمت به کارگران و زحمتکشان و افشا بدیربخ بورژوازی و مرتجعین وابسته آن یعنی ریزیمونستهای خائن سبجانی، توده ای و اکثریتیهای فدا ثنی غافل نمی‌شدند و ایمان راسخ از نسبت به رها تیز حتمتکشان و اخلاق انقلابی رفیق عباس را فغانی را محذوب می‌کرد. و بسیار رثوف و مهربان و دوستی و وفای برای تونها بود. در بحثها پیر با نیروهای درون خلقی بسیار با متانت بود ولی در برابر دشمنان زحمتکشان و نوکران بورژوازی با منطقی کوبنده و همراه با ختم انقلابی با همت طبقاتی و مزدور بودنشان را برای برای توفیقها با دلائل کمونیستی عیان

می‌کرد. و بعد از وحدت انقلابی گروه "پیکار خلق" با سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر بمنوا پیکار رگری همیشه ما در دسترسگر سازمان پیکار به مبارزه خویش بر علیه سرمایه داری و جها می‌ورژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق ادامه داد. رفیق بدنبال تهاجم جنا پیکار را ریزیم خمینی جلاد سرمایه داری را فتنه پیکار دستگیر شد و در نیمه دوم مرداد ماه ۱۳۶۰ به دست دژ-خیمان ریزیم خونخوا را اسلامی به شهادت رسید.

راهش با یاداروخا طرش
جاودان باد

جاودان باد یادرفیق شهید محمد عمیم

در صف کاروان شهیدان حائری برای محمدمعمیم خالی بود که محمد با بیوشن به این کاروان با سخا انقلابی به وظیفه اش در قبال خلق داد. رفیق از جمله جوانان متعهدی بود که با وروش بخارج از کتور در سال ۱۹۷۱ به صف دانشجویان دمکرات و مدد میر با لیت پیوست. فعلا لیت خستگینا بدیروی در انجمن دانشجویان ایران نی در زابروت کن بحدی بود که با رها او بعنوان نماینده دانشجویان انتخاب شد. کمتر اتفاق می‌افتاد که وظیفه مبارزاتی را با تمام بگذارد و در تهیه تدارک آکسیونهای مختلف و افشا کننده علیه رژیم شاه حلال همیشه پیشرو بوده و با دانشجویان ایرانی و دانشجویان خارجی با چهره آشنا بودند. روحیه پرتحرک و مهربان محمد فردی از اواسط خفته بود که دانشجویان ایرانی و خارجی همیشه با میل او می‌پذیرفتند. و به علت مبارزه بی‌گش بر علیه رژیم منفور پهلوی و تبلیغ و ترویج ایده های انقلابی برای مزدوران رژیم شاه شنا خفته شد. بوده به همین خاطر در دیدارهای از ایران مورد بی‌گرمی و اک بوده و به هنگام خروج از کشور تحت با زرمی و ضرب و شتم مزدوران ساواک قرار گرفته بود. مدارک موجود در ساواک بر علیه او که حاکی از فعالیت بی‌گش بر علیه رژیم سرمایه داری و وابسته پهلوی بودند منسوز در با پگان می‌شود و اما رژیم خمینی جلاد موجود است محمدمعمیم از جمله دانشجویان مبارزی بود که خیلی سریع با دیدگاه های انحرافی کنفدراسیون مرز بندی کرده و سمت گیری خود را بسوی شخصیت منسوب سازمان مجاهدین خلق و نتیجاً سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر اعلام کرد. و چندان قبل از قیام بحث تدارک مراجعت به ایران در میان دانشجویان مبارز را مطرح کرد و خود رها را ایران شد. بعد از قیام علیه رژیم جنیم پسند سکر می هیچگاه نجا رتوهم نسبت به رژیم جمهوری اسلامی ننذا و با رها میگفت رژیم جمهوری اسلامی با سرمایه داران و دشمنان کارگران و زحمت کشان و خلقهای ایران است. و بعد از تعرض ضد انقلابی به انقلاب و انقلابیون به دست مزدوران رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی افتاده و به شهادت میرسد. تا آنجا که ما میداد نیم رفیق هوادار سازمان پیکار ریوده است ولی از جگونگی ارتباط رفیق با سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر اطلاع در دست نداریم. دستگیری رفیق به دستور و سرور و نیز زندان ماهها از با اشتغال خانه اشان توسط با سدارا سرمایه صورت گرفت. مزدوران خمینی علیه رها بکنه هیچ گونه مدرکی از آنان نداشتند و سرور و نیز زندان ماهها از رها مدت یکماه و نیم در زندان نگه داشته و در زیر شکنجه قرار میدادند و رفیق را بعد از سه ماه شکنجه های قرون وسطانی بنیوه آریا مهری به شهادت میرسانند. رفیق محمدمعمیم با نه همچون کلبه پیکار کارگران راه آزادی طبقه کارگر شهادت را با جان خرید و بنا برسم انقلابی با ستاده شهید شد.

زنده و جاوید باد یاد شهیدان خلق

بقیه از صفحه ۱

طبق اطلاعات و اسناد موثقی که بدست ما رسیده، شخصی بنام اسماعیل صفاری میاندوآب یکی از جاسوسان رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی میباشد. وی که جمعی یگان هوانیروز بایگاه هوانیروز کرمانشاه بوده، بعد از قیام بهمن ماه ۵۷ از ارتش استعفا نموده و سپس بقصد جاسوسی بکرستان رفته و در آنجا با اظهار علاقه و نفوذ در بین سازمانهای انقلابی کرستان اطلاعات جمع آوری و در اختیار فرماندهان مزدور ارتش رژیم جمهوری اسلامی گزارده است.

وی قبل از اقدام باین عمل با فرماندهی رئیس ستاد لشکر ارومیه تماس گرفته و بعداً "نیز اطلاعاتی در اختیار انسر مزبور گذاشته است. وی خود در نامه ای مدعی شده که با فرار از مرز ایران و ترکیه بعراق رفته و در آنجا برای جمع آوری اطلاعات خود را بعنوان خلبان فراری ایرانی معرفی و با جلب اطمینان عراقیها اطلاعاتی تهیه و در اختیار مقامات ایرانی گذاشته است.

وی بمقامات ایرانی اطلاع داده که: "مهاجمین به شهر بانی مها با دوعا ملین ترور رئیس شهر بانی آن شهر را در تاریخ ۱۳۵۸/۷/۲۰ به اسم می شناسد." و در مورد: "ترور رئیس پاسداران ارومیه قبلاً" اطلاعات را به مسئولین داده است. "و سرهنگ طهیر نژاد را می شناسد." و در نامه ای بمقامات رژیم جمهوری اسلامی مینویسد:

"ولی موضوعی که در زیر برایتان تشریح میکنم امیدوارم با به قسمی که در اجرای امور خورده اید عمل نمایسید و نکته های مهمی که هر چند علاج قسمتی از آن دیر شده ولی امید است حداقل خائنین به خلق را معرفی کند....."

بنا بدلائلی که در این نامه قابل توصیف نمیشد در تاریخ ۵۸/۴/۱ از ارتش جمهوری اسلامی ایران استعفا نمود و جهت پیروی هدفی که داختم عازم دیار خود شدم و دلیل این عمل مهمتر از تمام زندگی من بود و آن جمع آوری اطلاعات از بین احزاب سیاسی فعال مثل دموکرات کومله و چند حزب کوچک و بزرگ که در کرستان ایران مسئول فعالیت بودند بله این کار با همکاری رئیس ستاد لشکر ۶۴ ارومیه انجام گرفت. حتی در ماوریتی که به عراق داشتم کلیه اطلاعات را در اختیار رئیس ستاد مذکور همینطور رئیس ضد اطلاعات لشکر مربوطه گذاختم

ولی با کمال تأسف در مقابل اطلاعاتی که بنده برای ارتش جمهوری اسلامی ایران جمع آوری کرده بودم امروز در مقابل اطلاعاتی که داده ام اطلاعاتی که حلال این مشکلات فعلی بود اخبار ناخوری می رسد که من معتقد هستم در جابجائی آن اطلاعات کوتاهی شده و اینرا تنها میتوانم به کوتاه خدمتی افراد مسئول که من با آنها سروکار داشتم بگیرم و همینطور بوابسته نظامی در ترکیه و همینطور اطلاعات کلی که بعداً "بدست آوردم اطلاعات و مدارکی راجع به سیا آمریکا و فعالیتها در کرستان و در داخل ایران" ولی اینجانب با تمام حسن نیت و امیدواری که یکی از مهمترین خصائص فردی هر مسلمانی است اقامه نموده ... و ما بلم تمام این اطلاعات را با شخص جناب عالی در میان بگذارم تا شاید قطره ای از دریا که بتواند در پرده برداری دست نشانده شیطان بزرگ سهم باشد.

این خائن خود فروخته از طریق سفارت آمریکا در یونان با سازمان جنایتکار "سیا" تماس داشته و از طرف آن سازمان بوی آموزش مخبرات داده شده و مبالغی پول نیز دریافت نموده. بعلاوه وی بایکی از ماورین سفارت آمریکا در تهران که جز "گروگانها" نیز بوده است در تماس بوده. این نشان دهنده این واقعیت است که رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی علیرغم هائیهی "ضد" امپریالیستی اشرار طرق مختلف با امپریالیسم جنایتکار آمریکا و مزدوران وی از قبیل "قیاده موقت" و غیره همکاریهای نزدیک داشته و دارد.

جاسوس مزبور قرار بوده که شخصاً "بحضور چمران معدوم برسد و از روی نقشه اطلاعات خود را در مورد کرستان در اختیار رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی گزارده. تا آنجا که ما اطلاع داریم شخص مزبور اکنون در کشور سوئد بسر میبرد. این هشدار است بکلیه نیروهای انقلابی و کمونیستی زیرا رژیم مرتجع جمهوری اسلامی همانند همه رژیمهای خائنکار از هیچ کوششی و جنایتی برای تضمین سلطه خود رویگردان نمیشد و کم نخواهند بود افراد مزدور و خود فروخته ای که با قصد جاسوسی سعی در نفوذ در درون نیروهای انقلابی مینمایند، که این کوششها فقط با هوشیاری و کنترل انقلابی قابل پیش گیری است.

مزدوران رژیم راغناسانی و رسوا کنیم!

دوری اطلاعات از بین احزاب سیاسی فعال مثل دموکرات، کومله و چند حزب کوچک و بزرگ در سانس ایران مشغول فعالیت بودند بله این کار با همکاری رئیس ستاد لشکر ۶۴ ارومیه انجام گرفت. حتی در ماوریتی که به عراق داشتم کلیه اطلاعات را در اختیار رئیس ستاد مذکور همینطور رئیس ضد اطلاعات لشکر مربوطه گذاختم

بنا بدلائلی که در این نامه قابل توصیف نمیشد در تاریخ ۵۸/۴/۱ از ارتش جمهوری اسلامی ایران استعفا نمود و جهت پیروی هدفی که داختم عازم دیار خود شدم و دلیل این عمل مهمتر از تمام زندگی من بود و آن جمع آوری اطلاعات از بین احزاب سیاسی فعال مثل دموکرات کومله و چند حزب کوچک و بزرگ که در کرستان ایران مسئول فعالیت بودند بله این کار با همکاری رئیس ستاد لشکر ۶۴ ارومیه انجام گرفت. حتی در ماوریتی که به عراق داشتم کلیه اطلاعات را در اختیار رئیس ستاد مذکور همینطور رئیس ضد اطلاعات لشکر مربوطه گذاختم

استاد جاسوس مزبور

افتضاح عمل یک پاسدار

کـرمانشاه : فساد و فحشاء معلولی از روابط منحط سرمایه داری بوده و مسلماً " این معلول که ناشی از فرهنگ مومبانی و ارتجاعی حاکم بر کشورهای سرمایه داری است در ایران نیز وجود دارد. رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی که حامی سیستم گندید سرمایه داری و وابسته به امپریالیزم می باشد از بندها و بندوبست رسیدن به انحاه مختلف به انقلابیون بویژه کمونیستها تهمت زده و هر روز مدعی بوده است که در خانه های آنها فرصت غدا ملکی معکوسه و مدارکی که دال بر عملیات منافیت است یافت کرده و همچون محمدرضا شاه آریا مهرینترین فحاشیها و فاسدهای یلهدوداستها مینویسند و باطل و وجود و باطل مشروع در منازل انقلابیون میسرایند و در عوض و روز از زهد و تقوی اسلامی خویش بقیه در صفحه ۶

و بطور وسیعی در رسانه های گروهی ایتالیا منعکس گردید. مادرانچا قسمتی از اعلامیه مشترک رفقای هوادار سازمان پیکار و کومه در ایتالیا را میآوریم :

" بنام کارگران و زحمتکشان و تمامی خلقهای قهرمان ایران و بیاد شهدای بخون خفته راه آزادی و استقلال که بانشار جان خود انقلاب دموکراتیک و ضد امپریالیستی توده های تحت ستم ایران را آبیاری نمودند و بعنوان اعتراض به کشتار روحنیانه کمونیستها و انقلابیون مادرانچوین و دانش آموزان هوادار سازمانهای کومه له و پیکار ، لانه جاسوسی مرتجع جمهوری اسلامی را به اشغال خود در آوریم تا بسدین وسیله مبارزات بحق خلقهای دلاور ایران را بیگوش جهانیا ن برسانیم و هرچه بیشتر نقاب تزویر و جنایتکارانه حاکمیت منفور جمهوری اسلامی را زدوده و چهره کثیفشان را آشکارتر سازیم

آری حکومت قرون وسطائی جمهوری اسلامی برای پاسداری از سرمایه های امپریالیستی ، فرزندان انقلابی خلق را بجوخه های تیر میسارد ، کودکان ۱۰ الی ۱۱ ساله را اعدام میکنند زنان باردار را به خاک و خون میکشد ، توده ها را باخاطرسداشتن يك اعلامیه به زیر تیغ میبرد و زخمیهای مبارزان رنج و کار را دردم بزنجیر مرگ میبندد . این رژیم با منطق کثیف و خونبار خود محکوم به فنا است

برای پاسخگویی به یاوه گوئیهای رژیم و سرسپردگان آن در خارج و اعتراض به مسائل یاد شده بر آن شدیم که لانه فساد و تباهی و جاسوسی را با اشغال خود در آوریم و مشت محکمی به دهان خلدان رژیم و تمامی وابستگان مزدور و همچون رویزونیستهای ارتجاعی حزب توده و گروهک موسوم به " اکثریت " که بخشی از حامیان فکری و عملی آنان میباشد کوبیده تا بیاندگر یاندگ رسی خلقهای ایران در این منطقه از جهان باشیم .

مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع داخلی . - مرگ بر رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی . - برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق !

زنده باد سوسیالیسم ! - دانشجویان و دانش آموزان هوادار " کومه له " در ایتالیا - دانشجویان و دانش آموزان هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر در ایتالیا عضو اتحادیه جهانی ...

اشغال کنسولگری از صفحه ۶

کارگر به همراه دانشجویان هوادار کومه له بمنظور افشای هرچه بیشتر جنایات رژیم جمهوری اسلامی و همبستگی با مبارزات کارگران ، زحمتکشان و خلقهای ایران و بمنظور دفاع از انقلابیون در بند و مخالفت و اعتراض بر علیه اعدامهای بی دریی انقلابیون کمونیست و دمکرات توسط خونخواران رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی در تاریخ ۲۵ نوامبر ۸۱ اقدام به اشغال کنسولگری (لانه جاسوسی) رژیم ایران در میلان - ایتالیا نمودند . رفقا بمنحور و رود بجاسوخانه رژیم و باج کردن مزدوران رژیم در اطلاقی کنترل کامل را بدست گرفتند . سپس رفقا با بزیر کشیدن عکسهای منحوس خمینی جلد و بپاره کردن آنان ، نفرت خود را از جنایات رژیم ابراز نمودند .

CORRIERE



Una ventina di dimostranti - tutti iraniani studenti universitari a Milano - hanno preso d'assalto questa mattina, alle 9, il consolato iraniano, che si trova in piazza Diaz 6. Penetrati negli uffici del consolato, hanno aggredito il console Asen Saszdgar e i sette impiegati imbavagliandoli e legandoli saldamente. Alcuni sono stati duramente picchiati al punto che qualcuno ha dovuto anche ricorrere alle cure del medico.

I dimostranti protestavano contro il regime di Khomeini, con scritte e cartelli che hanno abbandonato sulle scale del



آدگاه تصاویر رفقای شهید از جمله رفیق محمد تقی شهرام رفیق کاک فواد سلطانی ، رفیق محسن فاضل و ... بدیوار های جاسوخانه چسبانده و بدینوسیله یاد شهدای بخون خفته خلق را گرامی داشتند . در ادامه اشغال انقلابی جاسوخانه رژیم ، رفقای اشغال کننده به نوشتن شعارهای انقلابی از قبیل " مرگ بر خمینی جلد " ، " برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق " ، بر در و دیوار جاسوخانه برداختند . برای اعلام اکسیون و توضیح اهداف اشغال باندربول بزرگی از پنجره ساختمان آویزان کرده و بر روی دو پرچم سرخ بزرگ دیگر نیز شمشه ای از جنایات رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی توضیح داده شده بود . خبر این اکسیون موفقیت آمیز بلافاصله با اطلاع خبرگزاریها رسید

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق